

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۰۱ مارچ ۲۰۲۳

رضا پهلوی یک تاجر و معامله‌گر اقتصادی و سیاسی است و بس!

رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۹ اسفند-حوت - ۲۸ فیروزی، در جمع برخی از نمایندگان پارلمان بلجیم گفت: «هیچ‌کس نمی‌خواهد این گذار طولانی شود و هرچه زودتر به عادی‌سازی برسیم و تحریم‌ها برداشته شوند، ما سریع‌تر می‌توانیم سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنیم و وارد مسیر بازسازی کشورمان و تقویت صنایع شویم.»

در این جلسه، رضا پهلوی همچنین با اشاره به منشوری که قرار است برای همبستگی میان مخالفان جمهوری اسلامی تدوین شود، گفت کسانی که در تهیه این منشور مشارکت دارند، در داخل ایران‌اند و فعالیت‌های خود را مرتبط با فعالان داخل ایران دانست.

او در پاسخ به سؤالی درباره مجاهدین خلق ایران گفت: «به شما توصیه می‌کنم که با اعضای سابق این سازمان صحبت کنید تا واقعیت این سازمان را برای شما فاش کنند.»

او درباره مشارکت سازمان مجاهدین خلق در ائتلاف مخالفان جمهوری اسلامی گفت: «درباره تعامل در یک فرایند دموکراتیک، قضیه ساده است که آیا آن‌ها به‌عنوان یک سازمان به اصولی که در منشور ما آمده است، خواهند پیوست و به گفت‌وگوی باز با دیگر گروه‌های دموکراتیک می‌پیوندند؟ و سؤال دیگر این‌که آیا اعضای سازمان مجاهدین خلق اجازه دارند که به ابزارهای ارتباطات آزاد دسترسی داشته باشند؟ آن‌ها این دسترسی را ندارند و یکی از دلایلی که این اجازه را به آن‌ها نمی‌دهند این است که به محض این که در معرض اندیشه‌های دیگر قرار گیرند، تغییر می‌کنند و رهبری سازمان نمی‌خواهد ذهنیت فرقه‌گونه‌اش تضعیف شود. آنان حمایت بسیار کمی در ایران دارند.»

رضا پهلوی همچنین گفت که سازمان مجاهدین خلق به‌دلیل گذشته تروریستی‌شان، نزد مردم ایران اعتبار چندانی ندارند و افزود که اعضای این گروه «در جنگ ایران و عراق علیه سربازهای ما جنگیدند و در بمباران کیمیایی حلبچه علیه کردها شریک بودند.»

رضا پهلوی و طرفدارانش هنوز به‌جایی نرسیده برای همه گرایش‌های سیاسی جامعه ایران، خط و نشان می‌کشند. او از سوی مردم ایران، نهان و آشکار با برخی نهادها و سازمان‌ها و با برخی محافل دولتی‌های راست غربی وارد بده و بستان شده است. در حالی که او در ۴۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نه یک حزب و نهاد سیاسی تشکیل داده؛ نه در سازمان‌دهی حرکت‌های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی حضور داشته و نه در عرصه فرهنگی صاحب مقاله و تحلیل و کتابی است. تنها تجربه او تجارت با میلیاردها دلار پولی که پدرش از جامعه ایران به غارت برده و یا به‌عنوان

وارث حکومت‌های پدر و پدر بزرگش، احتمالا باز هم به نام مردم ایران، کمک‌هایی از دولت‌های غربی و اسرائیل و عربستان و غیره می‌گیرد بدون که حتی در یک جایی بپذیرد که حکومت‌های پهلوی دیکتاتور بودند و مخالفین و حتی منتقدین خود را نیز زندان و شکنجه و اعدام می‌کردند. به عبارت دیگر، او با رویای رسیدن به تاج و تخت می‌خواهد و بیدار می‌شود اما درباره جنایت‌های حکومت‌های پهلوی، مطلقاً مهر سکوت بر لب زده است.

پس از این که انقلاب «زن، زندگی، آزادی» به دنبال قتل مهسا (ژینا) امینی، دختر ۲۲ ساله کرد، توسط گشت ارشاد جمهوری اسلامی روی داد مردم نه تنها در کردستان، بلکه بلافاصله در سراسر ایران به خیابان‌ها ریختند و دست به اعتراض زدند. و در ادامه یک انقلاب جدیدی را با ارزش‌ها و معیارهای امروزی نیروی جوان ایران، به‌ویژه زنان رقم زدند. انقلابی که لرزه بر اندام سران و مقامات و نهادها جمهوری اسلامی انداخته و در سطح جهان نیز زبان‌زد عام و خاص شده است. در این میان، همه نیروهای سیاسی مخالف جمهوری اسلامی، هر کدام در حد توان و ظرفیت خود، تلاش کرده‌اند از این انقلاب مردم حمایت کنند. اما در این میان، تنها سلطنت‌طلبان و شاهپرستان که تا دیروز در هر کشوری انگشت‌شمار بودند ناگهان با بسیج همه نیروهای پراکنده خود و همچنین ساواکی‌ها و چماقداران طرفدار شعبان بی‌مخ را با پول و وعده و وعیدهایی جمع کردند و به دست هر کدام دو تا سه تا پرچم حکومت دیکتاتوری پهلوی را دادند تا تظاهرات‌های خارج کشور را به‌نوعی به میدان انتخاباتی برای بازگشت سلطنت و رضا پهلوی تبدیل کنند. جماعتی که نه به آینده جامعه ایران، بلکه به دنیای ۴۴ سال پیش چشم دوخته‌اند و به دلیل عقب‌ماندگی و واپس‌گرایی سیاسی، آرزوی بازگشت سلطنت را دارند. آن‌ها در این راستا، شعار «زن، زندگی، آزادی» را به شعار ارتجاعی و مردسالاری «مرد، میهن، آبادی» و «جاوید شاه» تبدیل کردند. آن‌ها به این هم بسنده نکردند و جسارت کاذبی پیدا کردند تا شعارهای «مرگ بر سه مفسد، ملا، چپ، مجاهد» و همچنین شعار «مرگ بر کمونیست و مرگ بر مجاهد» را سر بدهند. به این هم بسنده نکردند از هم اکنون اعلام کردند همه انقلابیون ۵۷ که در سرنگونی حکومت دیکتاتوری پهلوی شرکت داشتند باید اعدام شوند. اکنون هر شاهپرست یک طناب دار گره زده در کیف و جیبش دارد و منتظر انسانیست که آن را به گردن یک انقلابی پنجاه و هفتی بیاندازد. کاری که در تظاهرات بروکسل کردند و یک شرکت‌کننده در تظاهرات را تنها به این دلیل که پلاکارد «مرگ برستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» با خود حمل می‌کرد با ضربه سنگینی، آن‌چنان بر سرش کوبیدند که بیهوش شد و الان ضربه مغزی شده و در بیمارستان بستری است. بعداً معلوم شد که «حسن حبیبی»، هوادار مجاهدین خلق ایران است.

همچنین در تظاهرات بروکسل به کردها، لرها، قشقایی‌ها و غیره که حتی با شعارها و لباس‌های محلی خود شرکت کرده بودند پرخاشگری کردند. حتی صف آن‌ها را از تلویزیون‌های من و تو و انترنشنال نشان ندادند. این دو تلویزیون تمام برنامه‌های خود را به معرفی سلطنت‌طلبان اختصاص داده‌اند و انترنشنال گاهی در حاشیه برنامه‌هایش با گرایش‌های دیگر به‌عنوان چاشنی گفت‌وگو می‌کند اما ۹۹ درصد برنامه‌هایش را به شاهپرستان اختصاص داده است.

شاهپرستان، به‌تصور خام خود، حتی برای زهرچشم گرفتن از مخالفین سلطنت، پرویز ثابتی این چهره مخوف ساواکی را رونمایی کردند. در حالی که ساواکی‌ها به قول رپ‌خوان معروف و مردمی «توماج صالحی»، باید سوراخ موش بخرند.

رضا پهلوی در این سخنرانی خود در حالی از تدوین منشوری سخن به میان می‌آورد که حدود ده روز پیش ۲۰ تشکیل مستقل صنفی و مدنی داخل ایران، یک منشور مطالبات حداقلی ۱۲ ماده‌ای را منتشر کرده‌اند.

رضا پهلوی کاری به این منشور داخل ایران ندارد و به همین دلیل، اسمی هم از آن نمی‌برد. اما آدرس دیگری به افکار عمومی در جهت انحراف از انقلاب «زن، زندگی، آزادی» می‌دهد.

منشور مطالبات حداقلی ۲۰ تشکل مستقل صنفی و مدنی ایران، منشور انقلاب «زن، زندگی، آزادی» است. تدوین‌کنندگان و امضاءکنندگان این منشور، مطالبات عمومی کنونی جامعه را در نظر گرفته‌اند و شاید فردا این مطالبات به سطوح بالاتری ارتقا داده شود اما در همین سطح نیز صدای بلندی است که از اعماق جامعه برخاسته و به این اعتبار اتحاد و همبستگی قدرتمند صفوف مردم را تقویت می‌کند. یک وجه مهم این منشور تاکید به استقلال صفوف مبارزاتی و انقلابی مردم است. به عبارت دیگر، مردم انقلابی ایران، به هیچ فردی و نیرویی اجازه نمی‌دهند تا از بالای سر آن‌ها منشور و برنامه تعیین کنند و با دولت‌ها وارد بده و بستان بر سر آینده جامعه ایران شوند. بنابراین، این منشور جواب قاطعی است بر تحرکات شاهپرستان و سلطنت‌طلب و رهبرتراشی آن‌ها!

امضاءکنندگان این منشور عبارتند از: شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، اتحادیه آزاد کارگران ایران، اتحادیه تشکلهای دانشجویی دانشجویان متحد، کانون مدافعان حقوق بشر، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، خانه فرهنگیان ایران(خافا)، بیدارزنی، ندای زنان ایران، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز، کانون مدافعان حقوق کارگر، انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، تشکل دانشجویان پیشرو، شورای دانش‌آموزان آزاداندیش ایران، سندیکای نقاشان استان البرز، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران، و شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی(بستا).

این نهادهای مدنی مستقل داخل ایران در منشور خود، ۱۲ خواست «حداقلی» را مطرح کرده‌اند، از جمله: «آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، آزادی بی‌قید و شرط عقیده و بیان و اندیشه و مطبوعات و تحزب و تشکل، لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات اعدام، اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان، تامین ایمنی کار، امنیت شغلی، بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب و عدم دخالت مذهب در قوانین.

«پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی»، «عادی سازی روابط خارجی»، «ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش» و همچنین «مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی» که «اموال مردم را به یغما برده‌اند»، از دیگر مطالبات حداقلی این منشور است.

این تشکلهای، گفته‌اند «این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود» تهیه شده است.

نهادهای امضاءکننده از مردم خواستند «از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بالا بگیرند».

آن‌ها در بخشی از بیانیه خود نوشته‌اند جنبش اعتراضی اخیر در ایران بر آن بوده «تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد».

در بند هشت این منشور با تأکیدی که بر پایان دادن به هر گونه اعمال قدرتی از بالای سر مردم چنین آمده است: «بر چیده شدن ارگان‌های سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب‌کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد».

طبیعی است که چنین منشوری، گرچه حرف دل اکثریت شهروندان ایران را فرموله نموده و ترویج و تبلیغ کرده است اما به هیچ‌وجه مورد قبول گرایش‌های راست و فاشیستی و ناسیونالیست به ویژه شاهپرستان و سلطنت‌طلبان نیست چرا که

کلیه سیاست‌ها و اهداف و آرزوهای آن‌ها را در رهبر تراشی و بازگرداندن جامعه ایران به عقب با احیای سلطنت نقش بر آب می‌کند.

نهایتاً موضع رضا پهلوی علیه سازمان مجاهدین خلق ایران، منطبق با موضع جمهوری اسلامی علیه این سازمان است. به خصوص رضا پهلوی می‌گوید «آن‌ها بر علیه سربازان ما جنگیدند.» رضا پهلوی که نه سرباز داشت و نه خودش در این جنگ جنگیده است پس منظورش چیست؟ روشن است سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران! رضا پهلوی، آگاه است که انقلاب کنونی ایران رو به آینده بهتر و انسانی‌تر دارد و نه بازگشت به عقب و دوران ارتجاعی سلطنت پهلوی. به همین دلیل او گوشه چشمی هم به کودتا در سپاه و ارتش دوخته است که شاید با حمایت برخی دولت‌های غربی و همانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، توسط سازمان‌های مخفی آمریکا و انگلستان، که پدرش را به سلطنت برگرداندند این بار سلطنت را احیا کنند و او را به قدرت برسانند. اما بهتر است که رضا پهلوی نمونه افغانستان و بازی بازگرداندن ظاهر شاه را هم مرور کند که این بازی به هم خورد.

همان‌طور که اشاره شد همین چند روز پیش، هواداران رضا پهلوی در تظاهرات بروکسل یک شخص مخالف جمهوری اسلامی را تنها به دلیل این که شعار «مرگ بر ستمگر، چه شاه باشد چه رهبر» با خود داشت به‌طور وحشیانه و خشونت‌باری مورد ضرب و شتم قرار دادند و آن‌چنان با شیئی سنگین بر سر او کوبیدند که نقش بر زمین و بیهوش شد و با آمبولانس به بیمارستان انتقال دادند. اقدامی که در این ۴۴ سال توسط حزب‌اللهی‌های طرفدار جمهوری اسلامی و قبل از آن در حکومت پهلوی نیز توسط ساواکی‌ها و شعبان بی‌مخ‌ها دیده شده است. حال طرفداران رضا پهلوی «فرقه‌گرا» و «تروریست» هستند یا مجاهدین خلق ایران؟ که بیش از چهار دهه است با تمام قدرت علیه جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و در این راه نیز بیش‌ترین قربانی را داده‌اند. در دوران حکومت پدرش کادرهای همین سازمان به‌همراه نیروی چپ و کمونیست در زندان‌های ساواک شکنجه و اعدام شدند. در حال حاضر نیز مبارزه مجاهدین بر علیه جمهوری اسلامی غیرقابل انکار است و یکی از نیروهای مهمی است که نقش آن در سرنوشتی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه آینده ایران عیان است. حال انتقاد به مواضع و سیاست‌های مجاهدین خلق، یک چیز است و خط و نشان کشیدن و مارک‌زدن به مجاهدین خلق ایران با سخنان چندش‌آوری مانند «تروریست» و «بمباران شیمیایی حلبچه» موضع دیگری است. این‌جا بحث از انتقاد نیست بلکه رسماً مارک‌زدن و فراتر از آن تایید همه مواضع وحشیانه جمهوری اسلامی ایران علیه مجاهدین خلق ایران است!

حالی در این میان، روشن نیست که رضا پهلوی با چه جسارتی چنین موضعی را گرفته است: از رونمایی پرویز ثابتی و ساواک؛ چماقدارن شاه‌اللهی به سبک شعبان بی‌مخی‌ها؟ که این‌چنین در تظاهرات‌ها از موضع کاملاً فاشیستی و ارتجاعی به خلق‌ها تحت ستم و نیروهای چپ و کمونیست پرخاشگری و زبان‌درازی و چماقداری می‌کنند و...؟

به قول معروف یکی را به ده راه نمی‌داند اما ادعای کخدایی داشت. حال کسی رضا پهلوی و شاه‌اللهی‌های طرفدار او را از نظر سیاسی و اجتماعی جدی نمی‌گیرد اما آن‌ها را طرفدار کودتای احتمالی سپاه و بسیج و ارتش، و به‌عنوان سپاهی لشکر دولت‌های غربی و ضدانقلابی و ارتجاعی جدی می‌گیرند.

بنابراین، این رفتار و مواضع رضا پهلوی و طرفداران ساواکی و چماقدارش، هشدار بزرگی به همه آن افراد و نیروها و شخصیت‌هایی است که با شاه‌اللهی‌های فاشیست و خشونت‌طلب همکاری دارند.

در هر صورت ضرورت دارد که افراد و نیروهای آزادی‌خواه، این سخنان و اقدامات فرقه‌گرایی و فاشیستی رضا پهلوی و سلطنت‌طلبان طرفدار او را محکوم کنند.

بدین ترتیب، طبیعی‌ست هر انسانی و نیرویی که با تمام وجود خواهان سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی و پایان دادن به هرگونه تبعیض و نابرابری، شکنجه اعدام، سانسور و سرکوب، فقر و استثمار است، نه تنها چماقداری و تهدیدات سلطنت‌طلبان و شاهپرستان واپس‌گرا و ارتجاعی و سخنان اخیر رضا پهلوی در پارلمان بروکسل را محکوم می‌کند، بلکه با تمام قدرت و امکانات از انقلاب ایران و در راستای اتحاد و همبستگی مردمی، آن‌ها را به دلیل تفرقه‌افکنی به صفوف خود راه نمی‌دهد.

سه‌شنبه نهم اسفند- حوت- ۱۴۰۱- بیست و هشتم فبروری ۲۰۲۳